سنت قبل از جمعه

قبل از هر چیزی بدانیم که ما می گوییم نماز نافله و مستحب قبل از جمعه وجود دارد اما علماء اختلاف دارند، در مورد اینکه آیا نماز قبل از جمعه،نماز سنت رواتب است مثل سنت رواتب قبل از ظهر است یا نماز نافله و مستحبی است که به آن بشارت داده شده‌ایم مثل نماز قبل از عصر..(فتح الباري شرح صحيح البخاري بن رجب ج۸ ص ۳۳۳) **توضیح اینکه سنت برای قبل از نماز صبح و قبل از ظهر سنت راتبه است(که وقت و تعداد رکعت مشخصی دارند)اما برای قبل از عصر و قبل از مغرب و قبل از عشاء اسمش سنت راتبه نیست.**(مجموع فتاوی ابن عثیمین ج ۱۴ ص ۲۷۲)

سید سابق در فقه السنه ج ۱ ص ۳۰۰ با مقدمه شیخ حسن البنا (قابل توجه ماموستاهای اخوانی) چاپ سوم دار الکتاب العربي بیروت لبنان آورده: **مشروعية التنفل قبلها: يسن التنفل قبل الجمعة ما لم يخرج الامام فيكف عنه بعد خروجه إلا تحية المسجد فإنها تصلى أثناء الخطبة مع تخفيفها.در مورد مشروع بودن سنت نفل قبل از جمعه:سنت است نماز نفل بجا آوردن قبل از جمعه اگر امام(به سوی مسجد)خارج نشده باشد با خارج شدن امام از آن دست برداشته می‌شود مگر تحیه المسجد که در بین خطبه هم (برای کسی که وارد می‌شود)کوتاه خوانده می‌شود.**

در کل ما در این اختلاف، سنت قبل از جمعه را به این صورت صحیح می‌دانیم که سنت رواتب نیست بلکه نماز نافله و مستحبی است که تا وارد مسجد شدیم ننشینیم تا دو رکعت سنت تحیه المسجد می‌خوانیم و در قول صحیح علماء سنت رواتب قبل جمعه وجود ندارد.حتی در یکی از احادیثی که رواتب قبل و بعد

نمازها را بیان کرده‌اند حرفی از تعداد رکعت قبل از جمعه نشده اما برای بعدش آمده و می‌توانیم تا آمدن امام و گفتن اذان جمعه هر چقدر توانستیم نماز مستحب به غیر نیت رواتب دو رکعت یا چهار رکعت یا هشت رکعت و یا دوازده رکعت و.. بخوانیم بعد از آمدن امام ساکت می‌نشینیم و منتظر خطبه امام می‌شویم و این را به شرع نزدیکتر می‌دانیم.

شیخ الإسلام ابن تیمیة در مجموع الفتاوی ج ۲۴ص۱۸۸از ۳۵جلدیش چاپ المدینة فرموده: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْأَذَانِ شَيْئًا وَلَا نَقَلَ هَذَا عَنْهُ أَحَدٌ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يُؤَذَّنُ عَلَى عَهْدِهِ إلَّا إذَا قَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ وَيُؤَذِّنُ بِلَالٌ ثُمَّ يَخْطُبُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْخُطْبَتَيْنِ ثُمَّ يُقِيمُ بِلَالٌ فَيُصَلِّي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنَّاسِ فَمَا كَانَ يُمْكِنُ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَ الْأَذَانِ لَا هُوَ وَلَا أَحَدٌ مِنْ الْمُسْلِمِينَ الَّذِينَ يُصَلُّونَ مَعَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا نَقَلَ عَنْهُ أَحَدٌ أَنَّهُ صَلَّى فِي بَيْتِهِ قَبْلَ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

حمد و ثنا مخصوص الله ست که پروردگار عالمین است،اما پیامبر نبی صلی الله علیه وسلم قبل از جمعه، بعد از اذان، نماز(سنت) نخوانده و نه کسی از ایشان نقل کرده است،در زمان پیامبر نبی صلی الله علیه وسلم اذان گفته نمی‌شد تا وقتی(ایشان) بر منبر می‌نشست و(در این هنگام) بلال اذان می‌گفت سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم دو خطبه می‌داد سپس بلال اقامه می‌گفت و پیامبر صلی الله علیه وسلم با مردم نماز می‌خواند پس ممکن نبوده که بعد اذان، ایشان یا احدی از مسلمانان که با ایشان

نماز خوانند(بلند شوند و)نماز(سنت رواتب بعد از اذان جمعه) بخوانند و نقل هم نشده که قبل از خروج روز جمعه در خانه‌اش نماز خوانده باشد(چون موقع رسیدن ایشان، بلال اذان گفته است).

امام ابن قیم در کتاب زاد المعاد چاپ مؤسسة الرسالة که پنج جلدی است در جلد یک از صفحه ۴۱۷تا ۴۲۵ بطور مفصل بحث سنت قبل و بعد از جمعه را آورده و فرموده:اگر بلال از اذان تمام می‌شد پیامبر(مستقیما) شروع به خطبه می‌کرد و (در این‌حال) هرگز کسی(بعد اذان بلند نمی‌شد و کسی فریاد نمی زد "صلو سنه الجمعه رحیمکم الله" و بعد همه مردم بلند شوند و) دو رکعت (نماز سنت بخوانند بلکه هرگز کسی) نخوانده،و(بعد از سنت،مترجم شروع به روایت‌های موضوعی می‌کند که به ابوهریره و پیامبر نسبت داده‌اند و بعد اذان دیگری می‌گوید و این در حالی است که زمان پیامبر) فقط یک اذان بوده است.(و امام شافعی هم فرموده:من دوست دارم فقط یک اذان باشد مثل زمان پیامبر، الام ج۲ص۳۸۹ دارالوفا)،و این می‌رساند که جمعه مثل عید است که قبلش سنت ندارد،و این صحیح‌ترین قول علماء است(وَهَذَا أَصَحُّ قَوْلَيِ الْعُلَمَاء) و سنت رسول الله بر آن دلالت دارد، وقتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم از خانه‌اش خارج می‌شد،اگر به منبر می‌رسید بلال اذان جمعه را شروع می‌کرد،پس اگر تمام می‌شد پیامبر بدون فاصله شروع به خطبه می‌کرد ،و بر این یقین هست پس کی نماز سنت را خوانده‌اند؟ و هر کسی فکر می‌کند اگر بلال از اذان تمام می‌شد همه بلند می‌شدند و دو رکعت نماز می‌خواندند او جاهلترین فرد به سنت رسول الله است،و این که ذکر کردیم که قبل از جمعه(بعد اذان) سنتی نیست این مذهب مالک و احمد در روایت مشهور از او و یکی از دو رای در مذهب پیروان شافعی است.

کسانی که گفته‌اند: سنت دارد چون مانند نماز ظهر قصر شده است، پس احکام نماز ظهر برایش ثابت می‌شود، براستی که این دلیل خیلی ضعیف و بی ارزشی است، چون نماز جمعه، نماز مستقل و جداگانه‌ی است خودش در جهری بودن و تعداد و خطبه و شروط معتبرش با نماز ظهر فرق می‌کند، در یک وقت مشترک هستند، در حالی که موارد فرقشان از اتفاقشان بیشتر است و این اولاتر است چون موارد بیشتری را با هم فرق دارند(پس شبیه نماز ظهر نیست).

و بعضی از آنها بجای اینکه از سنت دلیل برایش بیاورند با نماز ظهر قیاس کرده‌اند، و این همچنین قیاس فاسدی است،چون آنچه از قول و عمل پیامبر ثابته سنت است و همچنین سنت خلفای راشیدن، و در این مساله چیزی ثابت نیست، و اثبات چنین سنتی با قیاس جایز نیست. چون این از جمله مواردی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم باید انجام می‌شد پس اگر نه انجام داده و نه شرع قرار داده ترکش سنت است، وگر نه این مثل این است که برای نماز عید سنت قبل و بعد با قیاس کردن برایش تشریع شود و همچنین (اگر قیاس کنیم باید غسل برای جمعه سنت نباشد چون) قول صحیحی است که برای ماندن در مزدلفه و رمی جمرات و طواف و کسوف و نماز باران غسل سنت نیست،چون پیامبر و اصحابش برای انجام این عبادات غسل نکرده‌اند.

و بعضی استناد کرده‌اند به آنچه امام بخاری در صحیحش ذکر کرده که گفته:"بَابُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الجُمُعَةِ وَقَبْلَهَا" وبعد این حدیث (۹۳۵)را از ابْن عُمَر از النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است که فرموده:«كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، وَقَبْلَ الْعِشَاءِ رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ»یعنی رسول الله قبل از ظهر و بعد از ظهر دو رکعت

می‌خواند و بعد از مغرب دو رکعت را در خانه‌اش و قبل از عشاء دو رکعت و بعد از جمعه تا به خانه بر می‌گشت نماز نمی‌خواند سپس دو رکعت می‌خواند.

و این در مورد آن دلیل نیست و با آن نخواسته سنت قبل از جمعه را ثابت کند بلکه منظورش این بوده که آیا قبل و بعدش چیزی وارد شده؟ بعد این حدیث را ذکر کرده ،یعنی از او،انجام سنتی را روایت نکرده جز بعدش و قبلش چیزی روایت نکرده است.

و این مثل این است که در کتاب عیدین آورده:"بَابُ الصَّلاَةِ قَبْلَ العِيدِ وَبَعْدَهَا"و بعدش گفته: أَبُو المُعَلَّى گفت:از سعید شنیدم که ابن عباس گفته: «كَرِهَ الصَّلاَةَ قَبْلَ العِيدِ»نماز را قبل از عید ناپسند می‌دانست.و به دنبالش در حدیث شماره ۹۸۹از ابن عباس آورده که: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يَوْمَ الفِطْرِ، فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَمْ يُصَلِّ قَبْلَهَا وَلاَ بَعْدَهَا وَمَعَهُ بِلاَلٌ»پیامبر روز عید فطر از خانه خارج شد و دو رکعت نماز عید خواند و قبل و بعدش را نماز نخواند و بلال همراهش بود.

پس(دیدیم که) عنوان نماز عید را مثل نماز جمعه قرار داده ،(اما قبل و بعدش را هم نماز سنت را جایز ندانسته است.)و در نماز عید حدیثی ذکر کرده که دلالت می‌کند قبل و بعدش، نماز مشروع نیست پس می‌رساند که در باب جمعه هم منظورش اینجوری بوده (که قبلش چیزی نیامده اما بعدش آمده است).

بعضی فکر کردند که چون جمعه بجای ظهر است در حدیث سنت قبل و بعد از ظهر را ذکر کرده است،در حالی که از سنت جمعه (هم حرف زده و جداگانه) گفته: که بعد جمعه تا به خانه برنمی‌گشت نماز سنت را نمی‌خواند.تا مکان سنت نماز بعد جمعه را هم بیان کند که آن بعد برگشتن در خانه است، و دیدم که این دلیل فکر و خیال غلطی است. چون در جای دیگر هم، بخاری در " بَابُ التَّطَوُّعِ بَعْدَ المَكْتُوبَةِ "باب نماز سنت بعد از نماز فرض حدیثی(۱۱۷۲) را از ابن عمر ذکر کرده که "با

پیامبر صلی الله علیه وسلم دو رکعت را قبل از ظهر و دو رکعت را بعدش و دو رکعت را بعد مغرب و دو رکعت را بعد عشاء و دو رکعت را بعد جمعه خواندم ،اما مغرب و عشاء را در خانه‌اش" این احادیث صریح و روشن هستند که نزد صحابه جمعه نماز مستقل و جداگانه‌ای غیر از ظهر بوده که (جدا آورده‌اند) وگر نه، احتیاجی به ذکرش نبود اگر با ظهر یکی بودند ،پس هنگامی که سنت رواتب جمعه را بعد جمعه نقل نکرده‌اند فهمیده می‌شود که قبلش سنت رواتب ندارد (وگر نه نقل می‌کرند).

و بعضی از آنها استناد کرده‌اند به آنچه ابن ماجه در سننش (با شماره ۱۱۱۴)از جابر و همچنین از ابی هریره نیز آمده که" سُلَيْك الْغَطَفَانِي آمد در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطبه می‌داد به او فرمود: «أَصَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجِيءَ؟ " قَالَ لَا. قَالَ: " فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَتَجَوَّزْ فِيهِمَا»آیا قبل از اینکه بیایی نماز سنت خواندی گفت:نه، فرمود:پس دو رکعت بخوان و کوتاه بخوان.و اسنادش ثقه هستند و حدیث صحیح است.(و این در صحیح بخاری در شماره ۹۳۱ هم آمده است)

ابو برکات پدر بزرگ ابن تیمیه گفته: این قول" قَبْلَ أَنْ تَجِيءَ" دلالت می‌کند که این دو، دو رکعت سنت جمعه است و تحیه المسجد نیست.اما شیخ ما، نوه‌اش، ابو عباس شیخ اسلام ابن تیمیه فرموده:این غلط است،و حدیث معروف در صحیحین(البخاری ۹۳۱ و مسلم ۸۷۵)از جابر آمده که فرموده: دَخَلَ رَجُلٌ يَوْمَ الجُمُعَةِ وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ، فَقَالَ: «أَصَلَّيْتَ؟» قَالَ: لاَ، قَالَ: «قُمْ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ»مردی روز جمعه داخل مسجد شد و پیامبر خطبه می‌داد فرمود:آیا نماز(سنت تحیه المسجد)خواندی گفت:نه فرمود: بلند شو ودو رکعت بخوان.

و همچنین(در ادامه همان حدیث مسلم۸۷۵ آمده که) فرموده: «إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ، فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ، وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا»اگر هر یک از شما روز جمعه آمد و امام خطبه می‌داد دو رکعت بخواند و کوتاه بخواند. و این در این حدیث

محفوظ است و اِفرادهای(احادیث که فقط او آورده) ابن ماجه اغلب غیر صحیح است و این معنی کلامش است.

و شیخ ما ابو حجاج حافظ مزی فرموده:این تحریف راویان است در اصل این بوده: «أَصَلَّيْتَ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ ...و ادامه روایت ابن ماجه »است."آیا قبل از اینکه بشینی نماز خواندی".در این مورد به اشتباه افتاده است که اینجوری بوده است.

و گفته:و کتاب ابن ماجه شیوخی که آن را دست به دست کرده‌اند به آن توجه نکرده‌اند برخلاف صحیح بخاری و مسلم،که حفاظ دست به دست کرده‌اند به ضبط و تصحیحش دقت و توجه کرده‌اند،و گفته: برای این در آن اشتباه‌ها و تحریف افتاده است.

من(ابن قیم)می گویم:و دلالت می کند بر درستی این که کسانی که به ضبط و ثبت سنت‌های نماز قبل و بعدش توجه کرده‌اند و در مورد آن اهل احکام و سنن و غیره نوشته‌اند،یک نفر از آنها این حدیث را در مورد سنت قبل از جمعه ذکر نکرده است،بلکه در استحباب انجام تحیه المسجد در حالی که امام بر روی منبر است نوشته‌اند، و به آن استناد کرده‌اند بر کسانی که در این حال از انجام آن منع کرده‌اند و اگر این سنت جمعه می‌بود در آنجا ذکرش می کردند،و عنوان بر آن و حفظش و شهرتش اولاتر می‌شد از تحیه المسجد.

و باز (بر تحیه المسجد)دلالت می کند چون پیامبر صلی الله علیه وسلم به این دو رکعت امر نکرده جز برای کسی که داخل مسجد می‌شود بخاطر اینکه آن تحیه المسجد است.

و اگر سنت جمعه بود، همچنین کسانی که نوشته‌اند به آن امر می کرند و تنها به آن کسی گفته نمی‌شد که داخل مسجد می‌شود.

و بعضی استناد کرده‌اند به آنچه ابی داود در سننش (با شماره ۱۱۲۸)روایت کرده و از نافع آورده که: «كَانَ ابْنُ عُمَرَ يُطِيلُ الصَّلَاةَ قَبْلَ الْجُمُعَةِ، وَيُصَلِّي بَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، وَيُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ»ابن عمر نماز قبل از جمعه را طول می‌داد و بعدش دو رکعت را در خانه می‌خواند و روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را انجام داده بود.

و این دلیلی برای آن نیست که جمعه سنت قبلی دارد.بلکه منظورش از این قول" أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ" این بوده که رسول الله صلی الله علیه وسلم دو رکعت را بعد جمعه در خانه‌اش می‌خواند نه در مسجد،و این افضلتر است همچنانکه در صحیحین(البخاری ۹۳۷ومسلم ۸۸۲) از ابن عمر آمده که بعد جمعه دو رکعت را در خانه‌اش می‌خواند.

و در سنن(ابی دواد با شماره ۱۱۳۰) از ابن عمر آمده که هنگامی که در مکه بود و نماز جمعه را می‌خواند(به دنبالش)جلو می‌آمد و دو رکعت می‌خواند سپس (یک مدتی بعدش) چهار رکعت خواند و اما هنگامی که در مدینه نماز جمعه می‌خواند به خانه‌اش بر می‌گشت و دو رکعت می‌خواند و در مسجد نمی‌خواند و وقتی به او گفته شد(در این مورد)گفت:رسول الله صلی الله علیه وسلم این کار را انجام می‌داد.

و اما طول کشیدن، نماز ابن عمر قبل از جمعه ، سنت مطلق بوده،و این بهتر است برای کسی که به جمعه آمد که به نماز مشغول شود تا امام می‌آید هنچنانکه در حدیث ابی هریره و هذلی از پیامبر آمده است.ابو هریره از پیامبر(در صحیح مسلم به شماره ۸۵۷) امده که فرمود: «مَنِ اغْتَسَلَ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَصَلَّى مَا قُدِّرَ لَهُ، ثُمَّ أَنْصَتَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ خُطْبَتِهِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَعَهُ، غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى، وَفَضْلُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» هر کسی غسل کند سپس به جمعه بیاید و آنچه را می تواند نماز

بخواند سپس ساکت شود تا امام از خطبه‌اش تمام می‌شود سپس با او نماز جمعه بخواند بخشیده می‌شود بین این جمعه تا جمعه دیگر و سه روز دیگر هم بیشتر.
و در حدیث نُبَيْشَة الْهُذَلِي(در مسند امام احمد به شماره ۲۰۷۲۱ آمده و شیخ أرنؤوط آن را صحیح لغیره دانسته)که:مسلمان اگر روز جمعه غسل کرد سپس به مسجد بیاید و کسی را اذیت نکند و اگر امام نیامده بود نماز بخواند و اگر آمده بود بشیند و گوش دهد و ساکت باشد تا امام جمعه و سخنانش تمام می‌شود اگر همه گناهان این جمعه‌اش بخشیده نشود برایش کفاره این جمعه تا جمعه آینده خواهد شد.
واین چنین بوده هدایت صحابه رضی الله عنهم.
ابن منذر(در الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف ج ۴ ص ۹۷) گفته: از ابن عمر روایت شده که ایشان قبل از جمعه دوازده رکعت خوانده است و ابن عباس هشت رکعت در کل خوانده است.(و گفته:از ابن مسعود روایت شده که او قبل از جمعه دوازده رکعت خوانده است).
و این دلیل است که این سنت‌های مطلق و نافله بوده است و برای این در تعدادی که از آنها روایت شده فرق دارند ،و امام ترمذی در جامع (مشهور به سنن الترمذي بعد از حدیث ۵۲۳) گفته:از ابن مسعود روایت شده که او قبل از جمعه چهار رکعت و بعدش چهار رکعت خوانده است.و همچنین ابن مبارک و سُفْيَان الثَّوْرِي و..
اسحاق بن هانی گفته:ابو عبدالله امام احمد را دیدم اگر روزه جمعه بود نماز می‌خواند تا اینکه می‌فهمید که خورشید نزدیک است زوال کند،در این هنگام از نماز خواندن دست می‌کشید تا موذن اذان بگوید،و بعد بلند می‌شد و دو رکعت یا چهار رکعت می‌خواند، و با سلام‌دادن بینشان فاصله می‌انداخت،و اگر فرض را خواند در مسجد می‌ماند، سپس خارج می‌شد و به بعضی مساجد که نزدیک جامع بود می‌رفت و دو رکعت در انجا می‌خواند سپس می‌نشست و چه بسا که بعضی وقت‌ها چهار رکعت

می‌خواند سپس می نشست سپس دو رکعت دیگر می خواند و آن در مجموع شش رکعت می‌شوند بنا بر حدیث علی و چه بسا بعد ان شش رکعت شش رکعت دیگر یا کمتر و بیشتر می‌خواند.

و بعضی اصحابش از این قول، گفتند که قبل جمعه دو رکعت یا چهر رکعت سنت است و این نه صریح و نه ظاهر است،امام احمد از نماز دست می کشید وقتی که زوال خورشید می‌شد چون نهی در آن موقع است،و اگر وقت نهی تمام می‌شد بلند می‌شد و سنتش را تمام می کرد تا آمدن امام و چه بسا تا آمدن امام جمعه به چهار رکعت می‌رسید و چه بسا فقط به دو رکعت می رسید.

و بعضی برای اثبات سنت قبلی به این روایت ابن ماجه استناد کرده‌اند که در سننش(با شماره ۱۱۲۹) آمده: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ، عَنْ مُبَشِّرِ بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ حَجَّاجِ بْنِ أَرْطَاةَ، عَنْ عَطِيَّةَ الْعُوفِيِّ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَرْكَعُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، لَا يَفْصِلُ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ»قبل از جمعه چهار رکعت نماز می‌خواند و بینشان فاصله نمی‌انداخت.

ابن ماجه این حدیث را در باب نماز قبل جمعه ذکر کرده است.(بَابُ مَا جَاءَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ)

اما این حدیث چندین مشکل دارد.

اولا:بقیه بن ولید امام تدلیس کنندگان است.و روشن نیست شنیده باشد.

دوما:مبشر بن عبید منکر الحدیث است.و عبدالله بن احمد گفته:از پدرم شنیدم که می‌گفت:مبشر بن عبید در حمص بوده و فکر می کنم کوفی است و بقیه بن ولید و ابو مغیره از او حدیث شنیده و احادیثش حدیث دروغ و موضوع هستند. و امام دار قطنی گفته:مبشر بن عبید متروک الحدیث است و احادیثش دنبال نمی‌شود و ضعیف است.

سوما:حجاج بن ارطاه ضعیف و تدلیس کننده است.
چهارما:عطیه عوفی به او استناد نمی‌شود،و مبشر بن عبید به سازنده حدیث معروف است و حجاج بن ارطاه حجت نیست.
و بعضی گفته‌اند:و شاید که حدیث به وسیله این سه نفر ضعیف، برعکس شده به خاط عدم ثبتشان،و گفتند:قبل جمعه چهار رکعت در حالی که بعد از جمعه است و این موافق است با آنچه در صحیح ثبت شده است.و مثل این قول امام شافعی در مورد روایت عبدالله بن عمر که گفته: «لِلْفَارِسِ سَهْمَانِ، وَلِلرَّاجِلِ سَهْمٌ» برای اسب سوار دو سهم و برای پیاده یک سهم است.امام شافعی گفته:مثل اینکه از نافع شنیده که می گفت:"لِلْفَرَسِ سَهْمَانِ، وَلِلرَّاجِلِ سَهْمٌ"پس عبدالله ابن عمر گفت: لِلْفَارِسِ ...تا موافق حدیث برادرش عبیدالله باشد، فرمود:و احدی از اهل علم شکی ندارند که عبیدالله بر برادرش عبدالله ابن عمر در حفظ برتری دارد.
من(ابن قیم) می گویم:و شبیه این،مثل انچه که شیخ اسلام در مورد حدیث ابی‌هریره گفته:"پیوسته جهنمیان را در جهنم مي‌اندازند و جهنم مي‌گويد: {هَلْ مِن مَّزِيدٍ} «آيا بيشتر از اين هم هست؟» تا جايي كه پروردگار صاحب عزت، قدمش را در آن مي‌گذارد. آنگاه، بخشي از دوزخ با بخشي ديگر، جمع مي‌شود و مي‌گويد: سوگند به عزت و كرم تو، بس است؛ بس است.و اما بهشت، الله برايش كسانی می آفريند."و بخاطر بعضی راویان برعکس و منقلب شده و گفته:اما جهنم الله برایش کسانی می آفریند.
من (ابن قیم)می گویم:و شبیه این حدیث عائشه است.که فرموده" «إِنَّ بِلاَلًا يُؤَذِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤَذِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ» بلال در شب اذان می گوید پس بخورید و بنوشید با اذان ایشان(در شب رمضان برای سحری)تا وقتی که ابن ام مکتوم اذان می گوید. و این در صحیحین(البخاری ۶۲۲و مسلم ۱۰۹۲) آمده است.ولی

بخاطر بعضی راویان برعکس شده و گفته:ابن ام مکتوم در شب اذان می گوید پس بخورید و بنوشید تا بلال اذان می گوید.(صحيحُ ابن خُزَيمة ۴۰۶- السنن الكبرى البيهقي ۱۷۹۵)

و همچنین شبیه این حدیث ابی هریره (در سنن ابی داود به شماره ۸۴۰ و شیخ البانی صحیح دانسته) است که فرموده: «إِذَا سَجَدَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَبْرُكْ كَمَا يَبْرُكُ الْبَعِيرُ، وَلْيَضَعْ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ» اگر یکی از شما نماز خواند مثل شتر به سجده نروید پس دستش را قبل و جلوتر از زانوهایش بگذارد.ابن قیم فرموده:فکر می کنم راوی دچار وهم شده –والله اعلم– در آنچه رسول صادق و تصدیق شده فرموده که"بگذارد دستهایش را قبل از زانو هایش" در حالی که از وَائِل بْنُ حُجْر (در سنن النسائی۱۰۸۹-۱۱۵۴و سنن ابی داود به شماره ۸۳۸ و...و شیخ البانی ضعیف دانسته است.إرواء الغليل برقم ۳۵۷ و قال: رواه الخمسة إلا أحمد ضعيف.)آمده «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَجَدَ وَضَعَ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ، وَإِذَا نَهَضَ رَفَعَ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ»رسول الله رایدم که اگر سجده کرد زانویش را قبل از دستش گذاشت و اگر بلند شد دستش را قبل از زانویش بلند کرد.و خطابی و غیره گفته اند: حدیث وائل بن حجر صحیحتر از حدیث ابی هریره است.و این مساله را بطور مفید در این کتاب گذشت(و بحث کرده بودیم) و الحمدلله.

(نکته اینکه حدیث گذاشتن دست‌ها اول، چون صحیح است به آن عمل می‌شود و دیگری ضعیف است به آن عمل نمی‌شود و بدانیم در حدیث صحیح اول که امده مانند شتر به سجده نروید پس اول دستها را بگذارید بعد زانوها را در اصل صادق مصدوق درست گفته چون زانو و رکبه حیوانات در دستهایشان است،برعکس انسان‌ها.و اینرا ملا القاري على در مرقاة المفاتيح ج۲ص۷۲۵ گفته "لِأَنَّ رُكْبَةَ

الْإِنْسَانِ فِي الرِّجْلِ، وَرُكْبَةَ الدَّوَابِّ فِي الْيَدِ" و هم ابن حزم در المحلی ج۳ ص۴۵ گفته: وَرُكْبَتَا الْبَعِيرِ: هِيَ فِي ذِرَاعَيْهِ")

و رسول الله صلی الله علیه وسلم اگر نماز جمعه را خواند وارد منزلش می‌شد و دو رکعت سنتش را می‌خواند و امر کرد کسی که خواند چهار رکعت بخواند.

و شیخ ما ابن تیمیه فرمود:اگر در مسجد خواند چهار رکعت بخواند و اگر در خانه خواند دو رکعت بخواند.و من می گویم:و همچنین احادیث این را می‌رسانند.و ابو داود از ابن عمر آورده (البته به این حدیث دست نیافتم) "أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ صَلَّى أَرْبَعًا، وَإِذَا صَلَّى فِي بَيْتِهِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ" ایشان اگر در مسجد می‌خواند چهار رکعت می‌خواند و اگر در خانه می‌خواند دو رکعت می‌خواند.(اما این را دیدم که ابو داود در سننش با شماره ۱۱۳۱و البانی صحیح دانسته از ابی هریره آورده که: قَالَ: فَقَالَ لِي أَبِي: «يَا بُنَيَّ، فَإِنْ صَلَّيْتَ فِي الْمَسْجِدِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ أَتَيْتَ الْمَنْزِلَ – أَوِ الْبَيْتَ – فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ»فرمود: پدرم به من گفت:ای فرزندم اگر در مسجد دو رکعت خواندی سپس به خانه آمدی دو رکعت بخوان.)

و در صحیحین(البخاری ۹۳۷ ومسلم ۸۸۲) از بن عمر آمده که پیامبر بعد از جمعه دو رکعت را در خانه می‌خواند.

ودر صحیح مسلم (با شماره ۸۸۱) از أَبِي هُرَيْرَةَ آمده که گفته:رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم فرموده: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمُ الْجُمُعَةَ فَلْيُصَلِّ بَعْدَهَا أَرْبَعًا» اگر هر کسی از شما جمعه خواند بعدش چهار رکعت (نماز سنت) بخواند. والله اعلم اتمام نقل قول شیخ ابن قیم

امام نووی در المجموع ج ۴ص۱۰فرموده:وَأَمَّا السُّنَّةُ قَبْلَهَا فَالْعُمْدَةُ فِيهَا حَدِيثُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغَفَّلٍ الْمَذْكُورُ فِي الْفَرْعِ قَبْلَهُ " بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ " وَالْقِيَاسُ عَلَى الظُّهْرِ

وَأَمَّا حَدِيثُ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَهْ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا لَا يَفْصِلُ في شئ مِنْهُنَّ " فَلَا يَصِحُّ الِاحْتِجَاجُ بِهِ لِأَنَّهُ ضَعِيفٌ جدا ليس بشئ وَذَكَرَ أَبُو عِيسَى التِّرْمِذِيُّ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا وَإِلَيْهِ ذَهَبَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ وَابْنُ الْمُبَارَكِ.

و اما سنت قبل از جمعه آنچه به آن در این مورد اعتماد و استناد می‌شود حدیث عبدالله بن مُغَفَّل است که فرموده:بین هر دو اذان نماز است و دوم قیاس بر ظهر است.و اما حدیث ابن عباس در سنن ابن ماجه که آمده:پیامبر قبل از جمعه چهار رکعت می‌خواند و در بینشان فاصله نمی‌انداخت" صحیح و درست نیست به آن استناد نمی‌شود چون خیلی ضعیف است و ارزش ندارد و همچنین ترمذی آورده(بعد حدیث ۵۲۳ گفته:و روایت شده از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: «أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا» که بن مسعود قبل از جمعه چهار رکعت و بعد از جمعه چهار رکعت می خواند و سفیان ثوری و ابن مبارک هم بر این رای بودند.(و همچنین از بن عمر هم چهار رکعت امده که حتی باهم خوانده بدون فاصله درشرح معاني الآثار الطحاوي۱۹۶۵ بیشتر هم آمده هشت رکعت،دوازه رکعت و اینها سنت مطلق قبل از جمعه تا آمدن امام و اذان است)

اما قول بیشتر در مورد روایت ابن عباس از پیامبر که قبل از جمعه چهار رکعت خوانده و همچنانکه امام نووی ضعیف دانسته و آوردیم امام ابن قدامه هم در المغنی ج ۲ ص۲۷۰ گفته:اما نماز قبل از جمعه در مورد آن علم و آگاهی ندارم جز آنچه روایت شده از ابْن عَبَّاس كَانَ رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّ ◌َ «يَرْكَعُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، لَا يَفْصِلُ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ» أخرجه ابن ماجة (۱۱۲۹) وَالطَّبَرَانِيّ وَزَاد وأربعا بعْدهَا وَإِسْنَاده واه الدراية في تخريج أحاديث الهداية بن حجر ۲۱۷/۱.

امام نووی در خلاصة الأحكام در شماره ۱۸۵۱ گفته: رَوَاهُ ابْن ماجة بِإِسْنَاد ضَعِيف جدا. و در شماره ۲۸۷۲ همان کتاب گفته:رَوَاهُ ابْن مَاجَه. وَهُوَ حَدِيث بَاطِل اجْتمع فِيهِ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَة، وهم ضعفاء، ومبشر وضّاع صَاحب أباطيل.

و البوصيري الكناني الشافعي در مصباح الزجاجة في زوائد ابن ماجه در ج ۱ ص ۱۳۶ گفته: هَذَا إِسْنَاد مسلسل بالضعفاء عَطِيَّة مُتَّفق على تَضْعِيفه وحجاج مُدَلّس ومبشر بن عبيد كَذَّاب وَبَقِيَّة هُوَ ابْن الْوَلِيد يُدَلس بتدليس التَّسْوِيَة.

الزيلعي در نصب الراية در ج ۲ ص۲۰۶ وَسَنَدُهُ وَاهٍ جِدًّا، فَمُبَشِّرُ بْنُ عُبَيْدٍ مَعْدُودٌ فِي الْوَضَّاعِينَ، وَحَجَّاجٌ. وَعَطِيَّةُ ضَعِيفَانِ.

الألباني در سلسلة الأحاديث الضعيفة در شماره ۱۰۰۱ گفته: باطل.

اما حدیثی که از ابن مسعود از پیامبر آمده که قبل جمعه چهار رکعت را خوانده است و امام طبرانی در المعجم الاوسط در حدیث شماره ۳۹۵۹ هم این حدیث را از ایشان ، از پیامبر آورده است که ایشان قبل از جمعه و بعدش چهار رکعت می‌خواند"عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا»و در آخر گفته: لَمْ يَرْوِ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ خُصَيْفٍ إِلَّا عَتَّابُ بْنُ بَشِيرٍ " این حدیث را از خصیف جز عتاب بن بشیر روایت نکرده است.و روایتش به این طریق است عَتَّابُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنْ خُصَيْفٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ.

شیخ البانی در سلسلة الأحاديث الضعيفة در شماره ۱۰۱۶ گفته: منكر.رواه الطبراني في " معجمه الأوسط " و همچنین در این کتاب در شماره ۵۲۹۰ منکر و ضعیف دانسته است.

و همچنین طبرانی در المعجم الاوسط در شماره ۱۶۱۷ از امام علی از پیامبر آورده که فرموده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا

أَرْبَعًا، يَجْعَلُ التَّسْلِيمَ فِي آخِرِهِنَّ رَكْعَةً»لَمْ يَرْوِ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ إِلَّا حُصَيْنٌ، وَلَا رَوَاهُ عَنْ حُصَيْنٍ إِلَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّهْمِيُّ "

اما حدیث"بین هر دو اذان، نمازی هست"که مهمترین دلیل از نظر امام نووی و شیخ ابن حجر هست.

ابن حجر هم در فتح الباري شرح صحيح البخاري ج۲ص۴۲۶ فرموده: وَأَقْوَى مَا يُتَمَسَّكُ بِهِ فِي مَشْرُوعِيَّةِ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ عُمُوم مَا صَححهُ بن حِبَّانَ مِنْ حَدِيثِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ مَرْفُوعًا"مَا مِنْ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ إِلَّا وَبَيْنَ يَدَيْهَا رَكْعَتَانِ" وَمِثْلُهُ حَدِيثُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغَفَّلٍ الْمَاضِي فِي وَقْتِ الْمَغْرِبِ" بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ".

قویترین دلیلی که در مشروعیت دو رکعت قبل از جمعه به آن چنگ زده می‌شود عموم حدیث صحیح مرفوع عبدالله بن زبیر است که فرموده: نماز فرض نیست مگر اینکه بینش دو رکعت نماز است" و مانند این حدیث عبدالله بن مغفل است که در بحث وقت نماز مغرب گذشت و آن این حدیث است که "بین هر اذانی نماز" است.

در صحیح بخاری ۶۲۷و مسلم۸۳۸ از عَبْدِ اللَّه بْنِ مُغَفَّل،آمده که گفت:النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم فرمود: «بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلاَةٌ، بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلاَةٌ»، ثُمَّ قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ» فرمود:بین هر دو اذان نمازی هست سه بار در اخرین بار فرمود برای کسی که می‌خواهد.

بن رجب در فتح الباري شرح صحيح البخاري زیر همین حدیث بخاری ج۵ص۳۵۵ فرموده:لا اختلاف أن المراد بالأذانين في الحديث: " الأذان والإقامة" اختلافی نیست که منظور از دو اذان در حدیث، اذان و اقامه است.

یادمان باشد که این بین هر دو اذان بعضی وقت‌ها نماز سنت رواتب است بعضی وقت‌ها نماز نافله است مثل نماز قبل از مغرب و رسول الله فرمود که انرا مثل بقیه سنت رواتب سنت قرار ندهید که بر ان مداومت کنید بلکه بهتر است بعضی وقت‌ها ترک شود.در صحیح بخاری با شماره۱۱۸۳ از عَبْدُ اللَّه المُزَنِي، از النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم آمده که فرمود: «صَلُّوا قَبْلَ صَلاَةِ المَغْرِبِ»، قَالَ: «فِي الثَّالِثَةِ لِمَنْ شَاءَ كَرَاهِيَةَ أَنْ يَتَّخِذَهَا النَّاسُ سُنَّةً»قبل از نماز مغرب نماز نافله بخوانید در سومین بار فرمود برای کسی که می‌خواهد ناپسند دانست و ترسید که مردم سنت قرار دهند. بدر الدين العيني در عمدة القاري شرح صحيح البخاري ج۷ ص۲۴۶ فرموده: " قَوْله "كَرَاهِيَة أَن يتخذها النَّاس سنة " وَفِي رِوَايَة أبي دَاوُد (با شماره ۱۲۸۱)" خَشْيَةَ أَنْ يَتَّخِذَهَا النَّاسُ سُنَّةً " وانتصاب كَرَاهِيَة وخشية على التَّعْلِيل وَمعنى سنة طَرِيقَة لَازِمَة يواظبون عَلَيْهَا " بكار بردن کلمه" کراهیه" و"خشیه" برای بیان علت است و سنت در اینجا که رسول الله فرمود: راه و رسمی الزامی بر آن مواظبت کنند و نگذارند ترک شود.و شیخ ابن عثیمین در مجموع فتاوی ج ۱۴ ص ۲۵۲ گفته: كراهية أن يتخذها الناس سنة راتبة يحافظون عليها"ترسید که مردم سنت راتبه قرار دهند و بر انجام آن مواظبت کنند.

ابن عثیمین در مجموع فتاوی ج ۱۴ ص ۲۵۲- ۹۱۷ سئل فضيلة الشيخ: ما صحة حديث: "بين كل أذانين صلاة" ؟

در مورد صحت حدیث بین هر دو اذان از شیخ عثیمین سوال شد فرمود:حدیث صحیحی است و بنگریم در نمازها ،پس در مورد سنت نماز قبل از صبح،و در مورد نماز ظهر چهار رکعت بین اذان و اقامه با دو سلام،و نماز عصر سنت رواتب قبل و بعد ندارد،اما سنت است که بین اذان واقامه چهارکعت یا هر چند که خواست بخواند. و همچنین مغرب قبلش سنت راتبه ندارد،اما شایسته است انسان بخواند ولی

سنت رواتب قرار ندهد،به دلیل قول رسول الله که فرموده: سه بار فرمود قبل از مغرب نماز بخوانید .ودر سومین مورد فرمود برای کسی که می خواهد. کراهت دارد که مردم سنت رواتب بدانند و بر آن مواظبت کنند.و عشاء بعدش راتبه دارد و قبلش راتبه نیست اما سنت است که بخواند اما سنت رواتب قرار ندهد.

و در مجموع فتاوی ج ۱۴ ص ۲۷۲ گفته:دو رکعت قبل از نماز مغرب یعنی بین اذان و اقامه سنت است اما سنت رواتب نیست،پس شایسته نیست بر آن همیشه محافظت کند چون اگر بر آن محافظت شود سنت راتبه می‌شود برخلاف دو رکعت بعد از مغرب که این سنت راتبه است و سنت است بر آن محافظت شود جز در سفر چون مسافر برایش سنت نیست، که سنت رواتب ظهر یا مغرب یا عشاء را بخواند و اینکه رسول الله فرمود "بین هر دو اذانی نماز هست"یعنی بین هر اذان و اقامه نماز نافله هست اما در صبح و ظهر راتبه هست و در عصر و عشاء اسمش سنت راتبه نیست .

خلاصه کلام با عموم این حدیث هم جایز نیست خواند حتی اگر سنت رواتب قرار نداد چون در عبادات اصل بر توقیفی بودن است و دلیلی بر آن نیست که پیامبر یا صحابه بعد اذان و آمدن امام خوانده باشند و بعد از آمدن پیامبر اذان داده شده و خطبه شروع کرده و کسی سنت نخوانده مگر کسی که بین خطبه داخل شده و اما بدانیم که این درحالی است که یک اذان در زمان پیامبر بوده است اما اگر دو اذان باشد و اذان اول هنوز وقت نماز نشده فقط اعلانی است برای جمع شدن مردم در این حال بعد از اذان اول جایز است بنا بر این حدیث سنت نافله غیره رواتب بخواند وشیخ اسلام در مجموع الفتاوی ج۲۴ص۱۹۴ (گفته :الصَّلَاةُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَذَانِ

الثَّانِي جَائِزَةً حَسَنَةً.. فَقَدْ يَكُونُ تَرْكُهَا أَفْضَلَ إِذَا كَانَ الْجُهَّالُ يَظُنُّونَ أَنَّ هَذِهِ سُنَّةٌ رَاتِبَةٌ أَوْ أَنَّهَا وَاجِبَةٌ فَتُتْرَكُ حَتَّى يَعْرِفَ النَّاسُ أَنَّهَا لَيْسَتْ سُنَّةً رَاتِبَةً. وَلَا وَاجِبَةً. لَا سِيَّمَا إِذَا دَاوَمَ النَّاسُ عَلَيْهَا)نماز بین اذان اول و دوم جائز و خوب است اما ترکش افضل است اگر جاهلان خیال کنند این سنت راتبه و یا واجب است پس ترک می شود تا مردم بدانند که سنت رواتب نیست و واجب هم نیست خصوصا که مردم بر آن مداومت داشته باشند و همیشه انجام بدهند.) وشیخ ابن عثیمین جایز دانسته‌اند واین هنگامی است که امام وارد نشده باشد با آمدنش اذان اصلی گفته شود.ولی در اینجای ما وقت نماز وارد می‌شود و اذان اول می‌گویند و با کمی تاخیر از وقتش و مشغول شدن مترجم، اذان دوم را هم می‌گوید.در این حال جایز نیست چون وقت زوال است و اذان اصلی وارد شده و وقت خطبه است باید ساکت بشینیم و منتظر شروع خطبه شویم. والله اعلم ابو عبدالرحمن نلاسی ۱۴۳۸